میری، انیس؛ شریف‌مقدم،هادی؛ سلامی، مریم (۱۳۹۸). وضعیت حضور اعضای هیئت علمی رشته علم اطلاعات و دانش شناسی در شبکه‌های اجتماعی علمی. *پژوهشنامه کتابداری واطلاع‌رسانی*، ۹ (۱)، ۴۶- ۵۸.

وضعیت حضور اعضای هیئت علمی رشته علم اطلاعات و دانش شناسی در شبکه‌های اجتماعی علمی [1]

انیس میری[2]،هادی شریف مقدم[3]، مریم سلامی[4]

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۳/۱۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۸/۲۲

DOI: 10.22067/riis.v0i0.73298

چکیده

مقدمه: ظهور و گسترش استفاده از اینترنت، پارادایم جدیدی از ارتباطات و تعاملات گروهی به وجودآورده است که شبکه اجتماعی خوانده می شود. شبکه‌ها ی اجتماعی به دو گروه عمومی نظیر فیسبوک، توییتر و ... و شبکه‌های تخصصی نظیر: ریسرچ گیت، مندلی وآکادمیا تقسیم می شوند. مقاله حاضر، با هدف تبیین دیدگاه اعضای هیئت علمی درباره فعالیت در شبکه‌های اجتماعی تدوین شده است.

روش شناسی: این مطالعه کیفی بودکه با روش تحلیل محتوا انجام شد. ابزار اصلی گردآوری داده‌ها، مصاحبه نیمه ساختار یافته بودو معیار اصلی پژوهشگر در خصوص تعداد مصاحبه‌ها رسیدن به اشباع نظری بود.

یافته‌ها: تحلیل حاصل از داده‌ها، منجر به استخراج ۳طبقه اصلی شامل زمینه‌ها (تعامل ارتباطی، جستجوی دانش، اشتراک دانش)چالش‌ها(کمبود وقت، عدم آگاهی و مهارت) و الزامات(مدیریت دانش شخصی، حمایت دانشگاه، فعالیت تشکل‌های علمی، حمایت دولت) و ۱۱ زیر طبقه و ۵۷ طبقه اولیه گردید.

نتیجه‌گیری: فعالیت اعضای هیئت علمی‌رشته علم اطلاعات و دانش شناسی در شبکه‌های اجتماعی علمی نیازمند بررسی مشکلات و از بین بردن موانع و کسب مهارت‌های لازم برای حضور اساتید در این شبکه‌هاست.

کلید واژه‌ها: شبکه‌های اجتماعی علمی، اعضای هیئت علمی، مدیریت دانش شخصی.

مقدمه وبیان مسئله

۱. مقاله حاضر، برگرفته از پایان نامه دکترای رشته علم اطلاعات و دانش شناسی می باشد.

۲. دانشجوی دکترای علم اطلاعات و دانش‌شناسی پیام نور، anismiri1352@gmail.com

۳. استاد گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی دانشگاه پیام نور (نویسنده مسئول)، sh_mogadam@pnu.ac.ir

۴. دانشیار گروه علم اطلاعات و دانش شناسی دانشگاه پیام نور، salamilib@yahoo.com

امروزه با گسترش کاربردهای فناوری اطلاعات و ارتباطات در زندگی روزمره شاهد شکل‌گیری نسل جدید از ابزارهای اینترنتی هستیم که امکانات بی شماری را برای روابط متقابل، مذاکره، گفتگو و به طور کلی ارتباط دوسویه فراهم آورده است. از جمله این ابزارها، می توان به شبکه‌های اجتماعی مجازی اشاره کرد. شبکه اجتماعی، مجموعه‌ای از خدمات مبتنی بر وب است که این امکان را برای اشخاص فراهم می‌آورد که توصیفات عمومی یا خصوصی برای خود ایجاد کنند واز این طریق، با دیگر اعضای شبکه ارتباط برقرار کنند، خود را به دیگران معرفی کنندو اطلاعاتشان را به اشتراک بگذارند. با حضور در شبکه‌های اجتماعی، افراد می‌توانند ارتباط‌خود با دیگران را حفظ کرده و همچنین، ارتباط‌های اجتماعی جدیدی را شکل دهند. در یک دسته بندی کلی می توان، شبکه‌های اجتماعی را به دو گروه عمومی وشبکه‌های تخصصی تقسیم بندی کرد. شبکه‌های اجتماعی علمی جزوشبکه‌های تخصصی محسوب می شوند و می توانند قابلیت‌های اساسی را برای فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی محققان ارائه کنند. این شبکه‌ها، بر پایه شبکه‌های اجتماعی عمومی راه اندازی شده‌اند و ساز و کاری شبیه به شبکه‌های اجتماعی عمومی دارند و تفاوت عمده آنها در تخصصی بودن است. در شبکه‌های اجتماعی علمی می‌توان به جای دنبال کردن هنرمندان، ورزشکاران و دوستان، فعالیت‌های تحقیقاتی اساتید دانشگاهی و محققان برجسته را دنبال کرد. این مسئله باعث می‌شود تا افراد، در جریان آخرین دستاوردهای تحقیقاتی در حوزه‌های مشخص و مورد علاقه قرار گیرند(ثلول و کوشا[1] ۲۰۱۴).این نوع شبکه‌های اجتماعی، مجراهای اطلاع یابی را جهت آموزش، متنوع و گسترده می سازند؛ به گونه ای که افراد می توانند بدون صرف وقت و هزینه با متخصصان و پژوهشگران رشته‌های مختلف در تعامل باشند و اطلاعات و دانش مورد نیاز خود را سریع تر و آسان تر به دست آورند. امروزه با افزایش حجم متون علمی پژوهشگران نیازمند روزآمدسازی دانش در حوزه‌های تحصصی خود هستند و تمایل پژوهشگران به استفاده از رسانه‌های اجتماعی علمی که امکان طبقه بندی، به اشتراک گذاری و تفسیر اطلاعات علمی را فراهم می کنند بیشتر شده است(لی[2]و همکاران ، ۲۰۱۲). فعالیت در شبکه‌های اجتماعی علمی به افزایش تبادل اطلاعات تخصصی وبهره گیری از خرد جمعی و در نتیجه ارتقای علم منتهی می شود. از دیگر مزایای فعالیت در این شبکه‌ها، رویت پذیری مقالات و تولیدات علمی اعضاست و این در حالی است که میزان رویت پذیری تولیدات علمی از شاخص‌های تعیین کننده توسعه علمی در کشورها محسوب می شود(بوید و

1. Thelwall and Kousha
2. Lee

الیسون[1]۲۰۰۷).امروزه، با وجود افزایش تعداد مقالات منتشر شده از سوی اساتید دانشگاه‌های کشور، میزان تاثیرگذاری آنها در سطح جهانی کمتراز حد انتظار است. و این در حالی است که اعضای هیئت علمی می توانند با استفاده از قابلیت‌های شبکه‌های اجتماعی علمی، دانش خود را به اشتراک بگذارند و جایگاه علمی خود و درنتیجه دانشگاه‌های کشور را در سطح منطقه و جهان ارتقاء ببخشند؛ همچنین، حضور پژوهشگران و اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها در این فضاهای علمی می تواند به گسترش تاثیرگذاری علمی و افزایش ا ستناد به تولیدات علمی آنها بیانجامد. اما به نظر می ر سد؛ این فناوری جایگاه خودرا آن چنانکه باید در بین ا ساتید دانشگاه‌های کشور باز نکرده ا ست و از این رو انتظار می رود؛ پژوهشگران به برر سی چرایی حضور کمرنگ ا ساتید ایرانی در شبکه ای اجتماعی علمی بپردازند تا چنانچه موانعی دراین مسیر هست، این موانع مشخص گردیده و راهکارهای عملی برای برداشتن موانع ارائه شود؛ لذا در این پژوهش، برآنیم؛ ضمن تبیین دیدگاه اعضای هیئت علمی رشته علم اطلاعات و دانش شناسی به این سوال که چه موانعی در مسیر فعالیت اعضای هیئت علمی در شبکه‌های اجتماعی وجود دارد ؛ پاسخ گوییم.

پیشینه پژوهش

در پژوهشی که با هدف برر سی نحوه شناخت، درک و ا ستفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی عمومی در بین دانشجویان دوره کار شنا سی ار شد انجام شد؛ دریافتند که فیس بوک محبوب ترین شبکه اجتماعی مجازی در بین ۸۶درصد دانشجویان است و هدف اصلی اکثر دانشجویان در پیوستن به این شبکه‌ها، تفریح و سرگرمی ا ست. دانشجویان از امکانات و ویژگی‌های منحصربه فردی که این شبکه‌ها دارند بی اطلاع هستند یا تمایلی به استفاده از آن‌ها ندارند. منفی ترین اثر ناشی از شبکه‌های اجتماعی مجازی صرف زمان زیاد در این شبکه‌ها ا ست که می تواند به روند تحصیلی آن‌ها آ سیب بر ساند. اطلاع ر سانی در خصوص ا ستفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی و آثار مختلف آن می تواند علاوه بر جلوگیری از رکود تحصیلی در بهره گیری بهتر از این شبکه‌ها کمک کند.

حریری وعنبری(۱۳۹۴) در مقاله ای به مطالعه نقش شبکه‌های اجتماعی تخصصی وبی فارسی در فرایند اشتراک دانش پرداختند. بر اساس نتایج این پژوهش، به طور کلی، عملکرد شبکه‌های اجتماعی تخصصی داخلی در رفع نیاز اطلاعاتی کاربران، ترغیب آنان به مشارکت دانش، جلب اعتماد و اطمینان آنها، تأثیر در ارتقای سطح دانش تخصصی و افزایش تعاملات این کاربران، متوسط رو به پایین ارزیابی

1 .Boyd & Ellison

شد. کاربران بزرگ ترین مشکل موجود در شبکه‌های اجتماعی تخصصی داخلی را اطلاع رسانی نامناسب و نا شناخته بودن این شبکه‌ها اعلام کردند. بین میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی فارسی و اشتراک دانش کاربران آنها رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد. میرزایی، رحیمی و مرادی (۱۳۹۵) در پژوهشی به بررسی نقش شبکه‌های اجتماعی در تبادلات علمی بین دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه رازی کرمانشاه پرداختند. یافته‌های پژوهش نشان داد که تمام دانشجویان مورد مطالعه از شبکه‌های اجتماعی عمومی استفاده می کنندو استفاده از شبکه‌ها ی اجتماعی در تبادلات علمی میان دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه رازی اثرگذار نیست. پژوهشگران در مطالعه ای که در مورد تمایل اعضا هیئت علمی به حضور در شبکه‌های علمی، نشان دادند که برخی از اعضای هیئت علمی هنوز تمایل چندانی برای حضوردر این شبکه‌ها ندارند(مادهوسودان[1]؛ ۲۰۱۶).

ناندز[2] و بورگو[3] نیز مطالعه را در شبکه علمی آکادمیا باهدف تعیین و ضعیت استفاده از شبکه‌های علمی با اهداف علمی انجام دادند؛ آنها در مرحله اول پژوهش ، به بررسی پروفایل کاربران شبکه آکادمیا در ۱۲دانشگاه در شهر کاتالان پرداختند؛ مرحله دوم این پژوهش با استفاده از ابزار پرسشنامه انجام شد. این پرسشنامه‌ها توسط ۷۶۶نفر از دانشجویانی که عضو شبکه آکادمیا بودند؛ تکمیل شد. نتایج نشان داد که از دیدگاه این افراد پر اهمیت ترین کاربرد این شبکه اجتماعی به اشتراک گذاری مقالات و کم اهمیت ترین کاربرد آن، شغل یابی بوده است. دلایل حضور این افراد در شبکه آکادمیا به ترتیب، عبارت بودند از : در تماس بودن با سایر محققان و انتشار نتایج تحقیقات و دنبال کردن نتایج تحقیقات دیگران(ناندز و بورگو، ۲۰۱۳). بررسی پژوهش‌های انجام شده نشان می دهد که؛ بیشتر پژوهش‌ها به توصیف رفتارکاربران شبکه‌های اجتماعی علمی پرداخته اند و تحلیل جامعی در این زمینه انجام نشده است و چرایی حضور یا عدم حضور پژوهشگران واعضای هیئت علمی در شبکه‌های اجتماعی علمی بررسی نشده است.

پرسش‌های پژوهش

۱. اساتید علم اطلاعات و دانش شناسی در چه زمینه‌هایی در شبکه‌های اجتماعی علمی فعالیت می کنند؟

۲. از دیدگاه اساتید رشته علم اطلاعات و دانش شناسی فعالیت در شبکه‌های اجتماعی علمی چه الزاماتی را می طلبد؟

1. Madhusudhan
2. Nands
3. Borgo

۳. اساتید رشته علم اطلاعات و دانش شناسی، برای فعالیت در شبکه‌های اجتماعی علمی با چه چالش‌های روبرو هستند؟

روش پژوش

مطالعه حاضر یک مطالعه کیفی بود که به روش تحلیل محتوا انجام شد و به بررسی عمیق چالش‌های حضوراساتید رشته علم اطلاعات ودانش شناسی در شبکه‌های اجتماعی علمی پرداخت. روش اصلی گردآوری داده‌ها مصاحبه نیمه ساختار یافته فردی بود. روش نمونه گیری هدفمند بوده و معیار اصلی پژوهشگر در خصوص تعداد مصاحبه‌ها، استفاده از مطلعین کلیدی، خود داده‌ها، طبقات، نظریه در حال ظهور و رسیدن به اشباع نظری[1]بود. از روش تحلیل محتوا جهت تجزیه و تحلیل اطلاعات و به موازات انجام مصاحبه‌ها استفاده شد(تحلیل همزمان) یادداشت‌ها چندین بار مطالعه گردیدتا درک کلی از متن به دست آید؛ سپس متن خط به خط خوانده شدو کدگذاری سطح اول انجام شد و جملاتی که پاسخ سوال‌های مطرح شده در مصاحبه بودند مشخص گردید. سپس به مفاهیم اصلی این جملات یک مضمون داده شد. با مقایسه مضمون‌ها با یکدیگر فهرستی از مضمون‌های اصلی و زیر مضمون‌ها به دست آمد؛ در کدگذاری سطح دوم ، فهرستی از مضمون‌ها و زیر مضمون‌ها مورد بازخوانی قرار گرفت. سپس مضمون‌های اصلی دارای معانی مشابه دسته بندی شدند و طبقات مشخص شد. جهت اطمینان از صحت و استحکام داده‌ها از طریق مرور نوشته‌ها توسط مشارکت کنندگان، تلفیق منبع داده‌ها تلفیق روش، تائید کدگذاری توسط همکاران آشنا با تحقیق کیفی، کدها و دسته بندی کدها ی مشابه و طبقات، نسخه نویسی مصاحبه‌ها در اسرع وقت، استفاده از نظرات همکاران از جمله این اقدامات بود. علاوه بر این، پژوهشگر مستندات تحقیق را به دقت مکتوب کرد تا امکان ارزیابی توسط ناظر خارجی فراهم شود. رضایت آگاهانه از همه مشارکت کنندگان جهت شرکت در مطالعه و ضبط مصاحبه‌ها اخذ گردید. به مشارکت کنندگان در مورد محرمانه ماندن داده‌ها و آزاد بودن آن‌ها برای شرکت در مطالعه یا ترک مطالعه در هر زمانی که خواسته باشند، اطمینان داده شد.

یافته‌ها و نتایج

در این پژوهش، از نمونه گیری هدفمند برای تعیین جامعه پژوهش استفاده شد. جامعه پژوهش، اعضای هیئت علمی رشته علم اطلاعات و دانش شناسی با سابقه حداقل ۳ سال فعالیت در دانشگاه‌های

1. Saturation

کشور بودند. معیار ورود به مطالعه، عضویت در یکی از شبکه‌های اجتماعی علمی بود. از این‌رو در ابتدا با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند، ۱۰ نفر مورد مصاحبه قرار گرفتند؛ سپس مصاحبه براساس طبقات پدیدار شده و ویژگی آنها برای رسیدن به اشباع در درون طبقات به صورت نمونه‌گیری نظری دنبال و هدایت شد. براساس داده‌های حاصل از تحقیق، طبقات، ویژگی‌های خاص پدیدار شده در هر کدام از طبقات و نیاز به اشباع در درون طبقات، نمونه‌گیری نظری از ۴ مورد دیگر نیز صورت گرفت. به طور کلی مصاحبه با هر مشارکت‌کننده، بسته به میزان اطلاعات و علاقه‌مندی آنها به ادامه مصاحبه انجام شد و همه مصاحبه‌ها در یک جلسه و بین ۲۰ تا ۶۰ دقیقه و به طور میانگین حدود ۳۸ دقیقه بود. قابل ذکر است هر کدام از این افراد معرف افراد دیگر می‌شدند.

مشخصات مشارکت کنندگان پژوهش، در جدول ۱ قابل مشاهده است.

جدول ۱- ویژگی‌های فردی مشارکت‌کنندگان

ردیف مشارکت‌کنندگان	جنسیت	نوع دانشگاه	درجه استادی	سابقه خدمت(سال)	سن
۱	زن	آزاد	مربی	۸	۴۱
۲	زن	دولتی	استادیار	۱۲	۴۵
۳	زن	دولتی	استادیار	۱۴	۴۴
۴	زن	دولتی	دانشیار	۲۲	۵۹
۵	زن	آزاد	استاد	۶	۴۲
۶	زن	آزاد	استادیار	۸	۴۶
۷	زن	دولتی	استادیار	۱۲	۵۲
۸	زن	دولتی	استادیار	۸	۴۷
۹	مرد	غیر انتفاعی	دانشیار	۱۸	۶۰
۱۰	مرد	آزاد	دانشیار	۱۵	۴۵
۱۱	مرد	پیام نور	استادیار	۴	۳۹
۱۲	مرد	آزاد	دانشیار	۵	۳۸
۱۳	مرد	پیام نور	استادیار	۱۴	۵۲
۱۴	مرد	دولتی	استاد	۳۳	۶۶
جمع	۱۴				

بر اساس داده‌های جدول، در این پژوهش از تعداد ۱۴ مشارکت کننده، تعداد ۸نفر زن و ۶نفر مرد بودند. سن افراد مورد مطالعه بین ۳۸تا ۶۶سال با میانگین سنی ۴۱/۸و میانگین سابقه کاری آنها ۱۲/۷بود.

جدول ۲- مفاهیم، مقولات استخراج شده از داده‌های خام در باره زمینه‌های فعالیت در شبکه‌های اجتماعی

طبقه (مقوله)	طبقه فرعی	مفهوم	نمونه مصاحبه‌ها
زمینه‌ها	تعامل ارتباطی	اطلاع از وضعیت رشته آشنایی با مباحث رو آشنایی با اساتید جستجوی همکاری اطلاع از دیدگاه سایرین جستجوی همفکران	من به عنوان یک استاد وظیفه خودم می دانم که اطلاعاتم را در زمینه وضعیت رشته، تحقیقات، پژوهشگران و افراد موثر به روز نگه دارم. من با فعالیت در شبکه‌های اجتماعی علمی از مباحث روز رشته مطلع می شوم. عضویت در شبکه‌های اجتماعی موجب می شود با اساتید سایر دانشگاه‌ها در داخل و خارج کشور ارتباطم را حفظ کنم. از طریق شبکه‌های اجتماعی زمینه همکاری با سایر اساتید و پژوهشگران ایجاد می شود.
	جستجوی دانش	جستجوی مقالات، جستجوی پایان نامه‌ها، جستجوی طرح‌های پژوهشی، اطلاع از رویدادها، طرح سوال، موضوع یابی	من برای اطلاع از مقالات و مباحث جدید علمی عضو شبکه‌های اجتماعی هستم. من برای اطلاع از پایان نامه‌ها، طرح‌های پژوهشی و اطلاع از رویدادهای علمی در این شبکه‌ها فعالیت می کنم. برای یافتن موضوعات پژوهشی و مباحث علمی به شبکه‌های اجتماعی مراجعه می کنم
	اشتراک دانش	بارگذاری مقالات افزایش مشاهده پذیری معرفی رشته شرکت در بحث‌های علمی، رشد رشته ارتقاء فردی، ارتقاء دانشگاه بازیابی با موتور جستجو	با بارگذاری مقالات در شبکه‌های اجتماع علمی، مشاهده پذیری مقاله بیشتر می شود. حضور اساتید در شبکه‌های اجتماعی علمی و شرکت آنها در بحث‌های علمی، موجب رشد و شناخته شدن رشته و افراد می شود. مقاله‌های منتشر شده در این شبکه‌ها از طریق موتورهای جستجو راحت تر بازیابی می شوند.

همان گونه که اطلاعات جدول نشـان می دهد؛ طلاع از وضـعیت رشـته، آشـنایی با مباحث روز، آشـنایی با اسـاتید، جسـتجوی همکاری، اطلاع از دیدگاه سـایرین، حضـوردر جامعه علمی، جسـتجوی مقالات، جسـتجوی پایان نامه‌ها، جسـتجوی طرح‌های پژوهشـی، اطلاع از رویدادها، طرح سـوال، موضـوع یابی، افزایش مشـاهده پذیری، معرفی رشـد رشـته، ارتقاء افراد، ارتقاء دانشـگاه، بازیابی مقالات با موتور جستجو از جمله زمینه‌های فعالیت اساتید در شبکه‌های اجتماعی علمی است.

جدول ۳- مفاهیم، مقولات استخراج شده از داده‌های خام در باره الزامات فعالیت در شبکه‌های اجتماعی

	مهارت مدیریت دانش شخصی	افزایش مهارت‌های مدیریت دانش	برای فعالیت در شبکه‌های اجتماعی علمی لازم است توانایی مدیریت دانش رادر خودمان تقویت کنیم
		مهارت‌های اشتراک دانش	قبل از ورود به شبکه‌های مجازی یک استاد باید در زمینه اشتراک دانش علاقه و تبحر لازم را داشته باشد.
		مدیریت اطلاعات شخصی مهارت بازیابی اطلاعات	ذخیره و سازماندهی اطلاعات شخصی در شبکه‌های اجتماعی بازیابی اطلاعات را آسان تر می کند.
	حمایت دانشگاه	تشخیص اطلاعات صحیح و کارآمد	شبکه‌های اجتماعی علمی اطلاعات مفیدی را در اختیار عضا قرار می دهند به شرط آن که روش‌های بازیابی این اطلاعات را بلد باشیم.
		تجزیه و تحلیل دانش	لزوما همه مطالب موجود در شبکه‌های اجتماعی عالی نیستند باید مطالب موجود در این شبکه‌ها ارزیابی و تجزیه و تحلیل شوند.
الزامات	فعالیت تشکل های علمی	معرفی شبکه‌های اجتماعی علمی معرفی مقررات و قوانین	برای این که اساتید از این شبکه‌ها استفاده کنند لازم است این شبکه‌ها و قوانین و مقررات مربوط به آنها معرفی و شناسانده شوند.
		برگزاری کارگاه آموزشی	اساتید هم به بازآموزی نیاز دارند ؛ چه اشکالی دارد کارگاه‌های آموزشی در زمینه روش‌های فعالیت در این شبکه‌ها برای اساتید برگزار شود.
		اختصاص فرصت مطالعاتی	باید به اساتید فرصت‌های مطالعاتی داده شود تا بتوانند از این فرصت برای فعالیت‌های علمی و پژوهشی و نیز فعالیت در شبکه‌های اجتماعی استفاده کنند.
		تعریف اپلیکیشن مناسب	امروزه هر کس یک تلفن همراه دارد که بیشتر کارهایش را با آن انجام می دهد، اگر اپلیکیشن شبکه‌های اجتماعی روی تلفن همراه نصب شود بهتر می شود در این شبکه‌ها فعالیت کرد.

	حمایت دولت	حمایت از تشکل‌های علمی	قبل از حضور در مجامع علمی خارج از کشور باید زیر ساخت آن یعنی تشکل‌های علمی داخلی دانشگاه‌ها درست شود.
		برگزاری همایش	باید در این زمینه همایش و سمینارهای مختلفی برگزار شود و اهمیت آن مشخص شود.
		انجام فرایند عضویت	دانشگاه می تواند همه اساتید را در این شبکه‌ها عضو کند تا آنها را تشویق به فعالیت کند.
		معرفی اساتید فعال، مستند سازی تجربیات	اساتید می توانند تجربیات خودشان را از فعالیت در شبکه‌های اجتماعی به صورت مستند در سایت‌ها و مجلات علمی بیان کنند.
		گسترش و ایجاد شبکه‌های اجتماعی علمی داخلی	باید اساتید فعال در شبکه‌های اجتماعی معرفی و از سوی دانشگاه مورد تشویق قرار بگیرند. این که عضو شبکه‌های اجتماعی علمی بشویم خوب است ولی ما حتی شبکه اجتماعی علمی مناسبی در داخل کشور خودمان نداریم.
		تغییر در سیاست‌های جذب هیئت علمی، تغییر در سیاست‌های رتبه بندی دانشگاه‌ها و اساتید	باید سیاست جذب استاد به سمت کیفیت برود. دانشگاه نباید بر اساس تعداد مقاله و بعد کمی اساتید را رتبه بندی کند باید رتبه بندی بر اساس تاثیرگذاری اساتید و کیفیت فعالیت آنها باشد.

از دیدگاه جامعه پژوهش، فعالیت در شبکه‌های اجتماعی علمی الزاماتی را می طلبد که عبارتند از: مهارت‌های مدیریت دانش، مهارت‌های اشتراک دانش، مهارت مدیریت اطلاعات شخصی، مهارت بازیابی اطلاعات، تشخیص اطلاعات صحیح و کارآمد و مهارت‌های تجزیه و تحلیل دانش ونیز فعالیت‌هایی شامل (معرفی شبکه‌های اجتماعی علمی، معرفی مقررات و قوانین، برگزاری کارگاه آموزشی، اختصاص فرصت مطالعاتی، تعریف اپلیکیشن مناسب، حمایت از تشکل‌های علمی، برگزاری همایش، انجام فرایند عضویت، معرفی اساتید فعال، مستند سازی تجربیات، گسترش و ایجاد شبکه‌های اجتماعی علمی داخلی، تغییر در سیاست‌های جذب هیئت علمی و تغییر در سیاست‌های رتبه بندی دانشگاه‌ها و اساتید.

جدول ٤- مفاهیم، مقولات استخراج شده از داده‌های خام در باره چالش‌های فعالیت در شبکه‌های اجتماعی

چالش‌ها	کمبود وقت	کمبود تعداد اساتید افزایش دوره‌های آموزشی گستردگی موضوعات آموزشی ، گستردگی دوره‌های آموزشی، تغییرات سرفصل‌های دروس	متاسفانه در ایران تعداد اساتید نسبت به تعداد دانشجویان خیلی کم است و استاد کمتر می تواند به فعالیت‌های علمی بپردازد. هر سال تعداد دانشجویان و دوره‌های آموزشی دانشگاه افزایش می یابد ویک استاد موظف است به دانشجویان مقاطع مختلف درس بدهد. رشته کتابداری موضوعات مختلفی را پوشش می دهد و گستردگی مباحث درسی تمرکز استاد رادر یک مبحث یا موضوع خاص از بین می برد. ما هر چند سال یک بار با تغییراتی در سرفصل دروس مواجه می شویم و نمی دانیم عملا کدام مباحث علمی را باید دنبال کنیم.
	عدم آگاهی و مهارت	نا آشنایی با شبکه‌های اجتماعی علمی ناآشنایی با مقررات و قوانین عدم آگاهی از نرم افزارها و قابلیت‌ها	شبکه‌های اجتماعی خارج از کشور را زیاد نمی شناسم. فقط دو شبکه هعلمی را می شناسم و در آن عضو هستم. من زیاد در شبکه‌های اجتماعی فعال نیستم چون آنها قوانین و مقررات خاص خودشان را دارند و برای فعالیت در این شبکه‌ها لازم است از قوانین آن آگاه باشیم . عضویت در شبکه‌های اجتماعی علمی خوب است ولی من اطلاع چندانی از قابلیت‌ها و امکانات آنها ندارم و فقط عضو هستم اما فعالیتی ندارم.

مشارکت کنندگان، از وجود موانعی را برای فعالیت در شبکه‌های اجتماعی علمی بر شمردند که عبارتند از: کمبود تعداد اساتید، افزایش دوره‌های آموزشی،گستردگی موضوعات آموزشی اساتید،

تغییرات سرفصل‌های دروس، ناآشنایی با شبکه‌های اجتماعی علمی، ناآشنایی با مقررات و قوانین شبکه‌های اجتماعی وعدم آگاهی از قابلیت‌های شبکه‌های اجتماعی علمی.

بحث و نتیجه گیری

نقطه تمایز این پژوهش را با دیگر پژوهش‌های انجام شده در این حوزه می توان در به کار گیری روش کیفی دانست؛ مضمون‌هایی که از داده‌های این مطالعه ظهور یافته اند همگی پیرامون دیدگاه اعضای هیئت علمی علم اطلاعات و دانش شناسی پیرامون شبکه‌های اجتماعی علمی و بر اساس اهداف مطالعه یعنی توصیف دیدگاه‌های اساتید در باره زمینه‌ها، الزامات، چالش‌های موثر بر فعالیت در شبکه‌های اجتماعی بود.

داده‌ها نشان داد که فعالیت در شبکه‌های اجتماعی علمی زمینه‌های گوناگونی راشامل می شود؛ به این صورت که اساتید می توانند با توجه به هدف و انگیزه خود در زمینه‌های گوناگونی به فعالیت در این شبکه ها بپر دازند و از مزایای حور در این فضای تعلملی استفاده کنند. این در حالی است که بر خلاف شبکه‌های اجتماعی علمی، حضور در شبکه‌های اجتماعی عمومی، بیشتر با قصد سرگرمی و تفریح انجام می شود. نتایج پژوهش یعقوبی ملال، ریاحی نیا و کیان (۱۳۹۴) هدف اصلی اکثر دانشجویان در پیوستن به این شبکه‌ها، تفریح و سرگرمی است. در همین زمینه، میرزایی، رحیمی و مرادی (۱۳۹۵) در یافتندکه تمام دانشجویان مورد مطالعه از شبکه‌های اجتماعی عمومی استفاده می کنندو استفاده از شبکه‌ها ی اجتماعی در تبادلات علمی میان دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه رازی اثرگذار نیست و این در حال است نتایج در همین راستا، نتایج پژوهشناندز و بورگو، نشان داد که از دیدگاه این افراد پر اهمیت ترین کاربرد این شبکه اجتماعی به اشتراک گذاری مقالات و کم اهمیت ترین کاربرد آن، شغل یابی بوده است. دلایل حضور این افراد در شبکه آکادمیا به ترتیب، عبارت بودند از : در تماس بودن با سایر محققان و انتشار نتایج تحقیقات و دنبال کردن نتایج تحقیقات دیگران(ناندز و بورگو، ۲۰۱۳).

اساتید برای انجام فعالیت‌ها ی خود به حمایت دانشگاه‌های تابعه خود نیازمند هستند؛ این حمایت گاهی به صورت ارائه آموزش‌های لازم و گاهی به صورت د سترس پذیر ساختن امکانات و نرم افزارها و گاهی به صورت دادن امتیاز و تشویق‌های معنوی و مادی به اساتید صورت می گیرد. چگونگی سازماندهی ، اشتراک و به کارگیری دانش؛ نیازمند مهارت‌هایی است که مشارکت کنندگان پژوهش، آن را شامل: سواد فناوری اطلاعات، مهارت‌های اشتراک دانش، مهارت‌های ارتباط حرفه ای، مهارت بازیابی اطلاعات،

مهارت سـنجش و ارزیابی دانش، تجزیه و تحلیل دانش، دانسته اند و این مهارت‌ها را از الزامات اصـلی فعالیت در شـبکه‌های اجتماعی علمی می دانند. در یک نگاه کلی می توان این مهارت‌ها رامهارت‌های مدیریت دانش شـخصـی دانسـت. زوهانگ[1]معتقد اسـت که مدیریت دانش شـخصـی مجموعه ای از مهارت‌های حل مسئله است که اجزای مفهومی، منطقی یا عملی دارد(زوهانگ ، ۲۰۱۳). پژوهش یعقوبی ملال، ریاحی نیا و کیان (۱۳۹۴) نیز نشان داد؛ دانشجویان از امکانات و ویژگی‌های منحصربه فردی که این شبکه‌ها دارند بی اطلاع هستند یا تمایلی به استفاده از آن‌ها ندارند. از آنجا که بیشتر دانشگاه‌های کشور دولتی هسـتند و علاوه بر این دولت با اسـتفاده از دو وزارتخانه متولی آموزش عالی در کشـور، سـاز و کارهای قانونی و اجرایی دانشـگاه‌ها را هدایت می کند؛ از نقش تاثیر گذار دولت در هدایت اسـاتید به سمت فعالیت در شبکه‌های اجتماعی نمی توان غفلت ورزید.

مشارکت کنندگان معتقدند؛ استفاده از شبکه‌های اجتماعی علمی با مشکلاتی مواجه است که باید بر طرف شود. این در حالی است که براساس داده‌ها، اساتید، اغلب درگیر امور آموزشی بوده و زمان کمتری را به انجام فعالیت‌های علمی و پژوهشی به طور کلی و فعالیت در شبکه‌های اجتماعی علمی به طور ویژه اختصاص می دادند. چنان چه برخی اساتید علی رغم عضویت در شبکه‌های اجتماعی فرصت فعالیت در این شبکه‌ها را نداشتند. حریری و عنبری(۱۳۹۴) نیز، بزرگ ترین مشکل کاربران در شبکه‌های اجتماعی تخصـصـی داخلی را اطلاع رسـانی نامناسـب و نا شـناخته بودن این شـبکه‌ها اعلام کردند. نتایج پژوهش مادهوسـودان(۲۰۱۶) نیز نشـان داد که اعضـای هیئت علمی تمایل چندانی برای حضـور در شـبکه‌های اجتماعی علمی ندارند که می توان آن را با چالش‌های حضور در شبکه‌های اجتماعی علمی مرتبط دانست.

پیشنهادات کاربردی

بنابر یافته‌های پژوهش مهارت مدیریت دانش شخصی در فعالیت در شبکه‌های اجتماعی علمی تاثیر گذار است، لذا بایستی اعضای هیئت علمی ، ضمن درک نیاز روز افزون حضور در جوامع علمی مجازی، بر افزایش مهارت‌های خود در زمینه مدیریت دانش شخصی اهتمام ورزند.

پیشنهاد می شود؛ دولت با استفاده ز اهرم قوانین و مقررات زمینه حضور بیشتر اعضای هیئت علمی را در شبکه‌های اجتماعی علمی فراهم آورد.

1. Zohang

حمایت از تشـکل های علمی مانند انجمن های علمی دانشـگاهی در زمینه برگزاری همایش‌ها و کارگاه‌های علمی و همچنین پشتیبانی نرم افزاری با ایجاد ساز و کارهای مناسب، در این زمینه پیشنهاد می شود.

بنابر یافته‌های پژوهش، آموزش و اطلاع رسانی در زمینه استفاده از شبکه‌های اجتماعی علمی موجب افزایش فعالیت در این شـبکه‌ها می شـود؛ بنابراین پیشـنهاد می گردد؛ کارگاه‌های آموزشی در زمینه شبکه‌های اجتماعی علمی برای اعضای هیئت علمی برگزار شود.

منابع

حریری، نجلا و عنبری، امیرمهدی. (۱۳۹۱). سنجش قابلیت‌های شبکه‌های اجتماعی تخصصی وبی فارسی و ارائهٔ راهکارهای مناسب برای بهینه‌سازی این شبکه‌ها در ایران. *پژوهش‌نامهٔ پردازش و مدیریت اطلاعات*، ۲۸(۲)، ۴۷۷-۴۵۵.

میرزایی، مریم؛ رحیمی، صالح؛ و مرادی، محمود. (۱۳۹۵). بررسی نقش شبکه‌های اجتماعی در تبادلات علمی (مطالعه موردی دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه رازی). *کتابداری و اطلاع‌رسانی*، **۱۹** (۱)، ۱۰۸-۱۳۰.

یعقوبی ملال، نیما، نصـرت ریاحی‌نیا و مرجان کیان (۱۳۹۴). واکاوی نقش و کاربرد شـبکه های اجتماعی برای دانشـجویان. مجموعه *مقالات همایش ملی شبکه‌های اجتماعی مجازی بستری برای آموزش و یادگیری*. تهران، ۲۲ اردیبهشت ۱۳۹۴، دانشگاه علامه طباطبائی

Boyd DM & Ellison NB(2007). Social network sites: Definition, history, and scholarship. Journal of Computer-Mediated Communication ; 13(1): 210-30.

Li, Xueme, Thelwall, Mike and Giustini, Dean. (2012). Validating Online Reference Managers for Scholarly Impact Measurement. *Scientometrics*, 91(2), 461-471.

MacMillan D.(2012) Mendeley: Teaching scholarly communication and collaboration through socialnetworking. Library Management; 33(8-9): 561-9.

Madhusudhan, M. (2012). Use of social networking sites by research scholars of the University of Delhi: A study. The International Information & Library Review44(2),100-113.

Nández, G., & Borrego, Á. (2013). Use of social networks for academic purposes: a case study. Electronic Library, 31(6), 781-791.

Scott, John.(2006).Sociology-The key concepts.London : Routledge.

Strauss, A., & Corbin, J. (2003). Basics of qualitative research: techniques And procedures for developing Grounded Theory (2nd ed.), Thousand Oaks, CA: Sage Publication.

Thelwall, Mike & Kousha, Kayvan. (2013). Academia.edu: Social Network or Academic Network? Journal of the American Society for Information Science and Technology, 65(4), 721-731.

Zhuang, Shuying.(2013). Personal Knowledge Management and Mlearning in the Learning Society. International Conference on Science and Social Research,101-105.